



بررسی حمایت کیفری از اموال فرهنگی در حقوق ایران

بهناز نصیرزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و
جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس

محسن عبدالهی

دکترای حقوق بین الملل
استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس

علی رضا سائبانی

دکترای حقوق جزا و جرم شناسی
هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس

چکیده

با توجه به اینکه در میان اهالی میراث فرهنگی تعاریف مشخص و ثابتی از برخی از واژگان وجود ندارد، در این مقاله تعاریف بنیادین در خصوص این کلمات ارائه گردیده است؛ اگرچه ارزش یابی و ارزش گذاری میراث فرهنگی باید به طور اصولی و با توجه به فاکتورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد، اما در ایران کمتر شاهد بوده ایم که نهادهای، چه دولتی و چه مردمی، به طور علمی و منصفانه، تأثیر مقررات حفاظت از میراث فرهنگی را نقد و بررسی کنند.

کلید واژگان: حمایت، کیفری، اموال فرهنگی، اموال تاریخی، میراث، میراث فرهنگی

مقدمه

شناخت گذشته برای ساختن آینده‌ای بر پایه‌ی هویت فرهنگی هر ملت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در حقیقت پویایی و بقای فرهنگی هر ملت در آینده، نیازمند پیوستگی میان دیروز، امروز و فردای آن است. از آنجا که عرصه‌ی میراث فرهنگی از شاخص‌ترین نمودهای ظهور هویت ملی در غالب آثار و ابنیه‌ی تاریخی- فرهنگی و... هر کشور و آیینی‌ی تمام‌نمای فرهنگ و تمدن اهالی آن سرزمین است. آثاری که می‌تواند بیانگر ارزش و اعتبار یک کشور در سطح بین‌المللی باشد. به همین دلیل است که در حوزه‌ی حقوق، از میان شقوق مختلف هنر، بیشترین قوانین و حمایت‌های قضایی از آن صورت گرفته است.

به بیان دیگر در میان مجموعه قواعد و مقررات ایران که بعضاً دارای سابقه‌ای در حدود یک قرن هستند مسایل هنری یا در محاق فراموشی قرار گرفته‌اند یا به گونه‌ای گذرا به آنها پرداخته شده است. با گسترش فن‌آوری‌های روز و پدید آمدن مجرمان متعدد و همچنین تغییر شکل یافتن و تولید برخی عناصر هنری، قوانین ایران خلاء بسیاری را احساس می‌کند.

کشور ایران با دارا بودن عناصر فرهنگی و هنری والا که جاذبه‌های گردشگری فراوانی را ایجاد کرده و در میان ۱۰ کشور برتر دارای جاذبه‌های گردشگری قرار گرفته است از زمان‌های دور مطمع سودجویانی بوده است که با هدف سرقت آثار تاریخی یا به این کشور نهاده‌اند. تمدن کهن ایرانی که گنجینه‌ی گرانبهائی از تمدن شرقی را در خود دارد سال‌های سال شاهد حفاری‌ها و خروج غیرقانونی آثار خود بوده است. تاراجی که در نهایت، قانون گذار را مجبور ساخت تا مجازات‌های ویژه‌ای را برای سارقان و تخریب‌کنندگان آثار فرهنگی وضع کند. این امر سبب شده که توجه به حمایت از میراث فرهنگی اهمیت دو چندان بیابد.

در این مقاله نگارنده بر خود لازم دانسته تا به بیان تعاریف، انواع اموال فرهنگی و بررسی مبانی قوانین کیفری حمایت از آثار فرهنگی بپردازد؛ از جمله اینکه ۱۲ ماده از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به صورت جداگانه بیان و توضیحات مختصری در این باب داده شده است.

تعاریف

معنای لغوی حمایت (protection): لغت نامه‌ی «علی اکبر دهخدا» حمی و حمیه و حمایت را بدین صورت معنا کرده است: «حمی، (به فتح ح و سکون میم): حمایت، نگاهداشتن، نگاهبانی کردن گیاه و چریدن ندادن. حمیه، حمایت، حموه به کسر «ح» در هر سه به معنای یاری دادن، پرهیز نمودن بیمار از آنچه زیان دارد او را.» (دهخدا، ۱۳۳۵، ص ۸۰۶)

همانگونه که بیان شد «حمایت واژه‌ای است عربی که عیناً با حفظ معنای اصلی خود به زبان فارسی راه یافته است، معادل‌های فارسی آن عبارتست از نگاهبانی کردن، پشتیبانی کردن و دفاع کردن از کسی.» (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۳۷۲) حمایت در اصطلاح عبارت است از نگاهبانی

کردن، پشتیبانی کردن و دفاع کردن از کسی یا چیزی که محافظت و یاری نمودن از آن واجب است و ممانعت و جلوگیری از ضرر و زیان رسانیدن به آن که می تواند به اشکال و طرق متعدد و متفاوتی اعمال شود.

حمایت ها را می توان از لحاظ حقوقی به دو گروه حمایت های کیفری و حمایت های غیر کیفری تقسیم کرد. بدیهی است که حمایت کیفری بایستی به عنوان آخرین حربه و تنها راه حمایت و نگاهبانی باشد و فقط در مواردی استعمال گردد که راه و چاره ی دیگری جز آن نباشد. حمایت به طرق ذیل صورت می گیرد: گاه با تبلیغات فرهنگی، پیش بینی اعتبارات اقتصادی، موضع گیری سیاسی و اجتماعی و گاه با تصویب قوانین گوناگون، که شق اخیر واجد حداقل دو جنبه می تواند باشد.

بنابراین لازمه ی حمایت کیفری اولاً وجود یکسری از ارزش ها و مبانی و اصول ارزشی در جامعه می باشد و دیگر آنکه بایستی این مبانی ارزشی واجب الحمايه باشند و سایر حمایت های غیر کیفری برای صیانت و حفاظت آن کافی نباشد. در اینصورت است که قانون گذار مداخله نموده، به منظور محافظت و نگاهبانی از آن فرد یا موضوع ارزشی، یکسری مقررات و قوانینی را وضع و تصویب می کند. از آنجایی که قوانین بدون ضمانت اجرا و در موارد کثیری بدون ضمانت اجرای کیفری، قابلیت اجرایی خود را در جامعه به دست نمی آورند، مقنن ناگزیر است تا از کیفر و مجازات به عنوان آخرین حربه برای نگاهبانی از مبانی ارزشی مورد نظر خود استمداد طلبد. هدف از ابداع کلیه ی رشته های حقوقی بالاخص حقوق کیفری، ایجاد مکانیزم مؤثری برای نیل به کنترل اجتماع و تنظیم رفتار و فعالیت های متقابل افراد در جامعه می باشد (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۶).

تعریف فرهنگ (culture): مجموعه ای از تواناییها، عادت ها، جهان بینی ها، ارزش های اخلاقی و اجتماعی، گرایش های سیاسی و ملی و علایقی است که آدمی به عنوان عضو یک جامعه کسب کرده و موضع و رفتار فرد را نسبت به پدیده های اجتماعی و طبیعی تعیین می کند. (ابو ترابیان، ۱۳۷۴، ص ۴).

کلمه ی فرهنگی (cultural) در لغت نامه ی دهخدا به این معنا آمده است: «پیشوند فر به معنی پیش + هنگ که از ریشه ی «تنگ» اوستایی به معنی کشیدن. مطلقاً با educate لاتین به معنی کشیدن و تعلیم و تربیت است.»

تعریف آثار ملی: نه تنها واژه نامه ی تخصصی در موضوع آثار ملی (فرهنگی و طبیعی) وجود ندارد تا پاسخگوی نیاز این بخش باشد بلکه قوانین تدوین شده نیز بدون توجه به لزوم وجود تعریفی جامع و هماهنگ در این بخش تدوین شده اند. نبود توجه به این موضوع مهم سبب شده تا آثار ملی دایره ی محدودی پیدا کنند، به طوری که از

میان آثار فرهنگی غیر منقول فقط اشیای با قدمت بیش از صد سال، یعنی همان عتیقه اعم از زیر خاکی و غیر زیر خاکی به عنوان آثار ملی شناخته شود. در صورتی که مطابق ماده ی ۱ کنوانسیون ۱۹۷۰ م. و نیز قانون ثبت آثار ملی ۱۳۵۲ ه.ش به روشنی آثار فرهنگی دارای ارزش و شئون ملی، بدون در نظر گرفتن قدمت زمان ویژه برای آنها، جزو آثار ملی کشور محسوب می شوند. مثل کتب و اسناد خطی، تابلوهای نقاشی، ابزار و ادوات زندگی بزرگان، یادگارهای تحولات سیاسی، اجتماعی، علمی، اقتصادی و غیره که بتوانند در اعتلای فرهنگ کشور سهم و نقشی داشته باشند.

اموال فرهنگی - تاریخی (عتیقه): به اموالی اطلاق می شود که نشانگر تحول حیات و هویت فرهنگی - تاریخی یا وقوع وقایع تاریخی در ادوار یا دوره های خاص باشد و به نحوی از انحاء، گوشه ای از حرکت تاریخی - فرهنگی انسان را در مقیاس ملی یا منطقه ای یا بین المللی نشان دهد یا نشانگر ظهور حیات و انقراض تمدن های تاریخی بوده و از محوطه های باستانی واقع در خشکی یا بستر دریاها، در اثر حفاری علمی یا علل دیگر کشف شود. تبصره - آثار دیرین شناسی، شامل مجموعه ها و نمونه های نادر جانور شناسی، گیاه شناسی، معدن شناسی، انسان شناسی، بقایای نباتی و جانوری ما قبل تاریخ و ترکیبات نادر زمین شناسی در حکم اموال فرهنگی - تاریخی محسوب می شود (آیین نامه ی اموال فرهنگی - هنری - تاریخی نهادهای عمومی و دولتی، ۱۳۸۱، ماده ی ۱).

اموال فرهنگی (Cultural properties): به اموال منقولی اطلاق می شود که نشانگر وجوه مختلف زندگی انسان در دوره ی متأخر تاریخی بوده و پژوهش در آنها موجب بازشناسی صورت تاریخی - فرهنگی زندگی جوامع انسانی می شود، از قبیل آثار مردم نگاری، مردم شناسی، فرهنگ و هنر بومی، آرشئوهای صدا و تصویر و تمبر و امثال آن (آیین نامه ی اموال فرهنگی - هنری - تاریخی نهادهای عمومی و دولتی، ۱۳۸۱، ماده ی ۱).

همچنین از ماده ی ۵۳ پروتکل اول ژنو، می توان معنای این اصطلاح را دریافت: «اشیا و اموال فرهنگی (از قبیل بناهای تاریخی، آثار هنری، مکان های عبادت، کتابخانه ها و مجموعه های علمی) را نباید برای اهداف نظامی به کار گرفت، (و) باید از آنها در برابر اعمال خصمانه حمایت به عمل آورد.»

اموال فرهنگی اموالی است منقول و عبارت است از اشیای تاریخی (عتیقه) که واجد اطلاعات با ارزش تاریخی بوده و یکصد سال یا بیشتر از عمر آنها گذشته باشد ولو آنکه به لحاظ ارزش مالی، ناچیز جلوه کند و از شکل اولیه افتاده باشد، مانند اشیای به دست آمده از حفاری ها و هر شیء که اصطلاحاً به آن «زیر خاکی» می گویند.

ماده ی ۱ کنوانسیون مربوط به اتخاذ تدابیر برای ممنوع کردن

و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیر قانونی اموال فرهنگی مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ م. پاریس اموال فرهنگی را تعریف و احصاء نموده است: «منظور از اموال فرهنگی اموالی هستند اعم از مذهبی یا غیر مذهبی که به وسیله ی هر دولت، اهمیت آنها از نظر باستانشناسی ما قبل تاریخ، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی مشخص شده و...» در ماده ی یک قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ، اموال فرهنگی این چنین تعریف شده است:

الف) اموال منقول و غیر منقولی که برای فرهنگ ملل دارای اهمیت زیادی می باشد از قبیل آثار معماری، هنری یا تاریخی، مذهبی یا غیر مذهبی، مناظر باستانی مجموع ساختمانهایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری می باشد. آثار هنری نسخ خطی و کتب و سایر اشیاء که دارای ارزش هنری، تاریخی یا باستانشناسی باشد و همچنین مجموعه های علمی و مجموعه های مهم کتب و اسناد و نمونه های تقلیدی اموال مذکور در فوق.

ب) بناهایی که منظور اصلی و واقعی از آنها حفاظت و نمایش اموال منقول فرهنگی در بند الف) می باشد، مانند موزه ها، کتابخانه های بزرگ، بایگانی ها و همچنین بنگاه هایی که در صورت وقوع جنگ اموال منقول مذکوره در بند الف) در آنجا نگاهداری می شود.

ج) مراکزی که در آنجا تعداد قابل توجهی اموال فرهنگی مشروحه در بند الف) و ب) وجود دارد و مراکز آثار تاریخی گفته می شود.

اموال تاریخی (historical properties): این

اموال نشانگر وقوع وقایع تاریخی، تاریخ علوم و فنون، تاریخ نظامی و اجتماعی و همچنین زندگی رهبران و مشاهیر تاریخی، علمی، مذهبی، فرهنگی و هنری می باشد (آیین نامه ی اموال فرهنگی - هنری - تاریخی نهادهای عمومی و دولتی، ۱۳۸۱، ماده ی ۱).

بناها، مجموعه ها، اماکن، محوطه های تاریخی، نگاره ها، تندیس ها، پیکره ها، کتیبه ها، نقوش، آذین ها و هر عنصر تاریخی دیگر که آثار متصل و یکصد سال و بیشتر از عمر آنها گذشته باشد (خلیلیان، ۱۳۷۵، ص ۲۵).

فرهنگ لاروس نیز از اثر تاریخی تعریفی ارائه داده است: «اثر تاریخی به بنا و یا شیئی منقولی اطلاق می شود که به یک اجتماع یا فرد مخصوصی تعلق داشته و به خاطر ارزش تاریخی و یا هنری آن به دنبال یک طبقه بندی اداری، جهت تأمین حفاظتش تحت نظام قانونی قرار گیرد.»

به نظر برخی از اساتید حقوق، آثار تاریخی، اشیاء و ابنیه ای هستند که به علت گذشت زمان طولانی بر آنها، یک قوم به آنها علاقه ی تاریخی پیدا کرده باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۵).

آثار تاریخی به دو گروه ملی و مذهبی تقسیم می شوند:

الف) آثار مذهبی: به کلیه ی ابنیه و اشیایی اطلاق می شود که به جهت

علاقه دینی و اعتقادی ایجاد شده باشند.

ب) آثار ملی: به کلیه ی آثار صنعتی، ابنیه و اماکنی که تا پایان دوره ی زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول اطلاق می شود. (قانون راجع به حفظ آثار ملی، ۱۳۰۹، ماده ی ۱).

اموال هنری (artistic properties): به کلیه ی

آثار هنری در رشته های مختلف هنرهای تجسمی اعم از هنرهای سنتی و بومی یا معاصر، ایرانی یا غیر ایرانی، گفته می شود که ساخته ی مشاهیر هنرمندان رشته های مختلف هنری بوده یا در تاریخ هنر، جزء آثار شاخص هنری محسوب می شوند یا نشانگر آغاز یا اوج سبک یا مکتب یا دوره ی هنری مشخص باشند.

اموال مطالعاتی (observational properties):

قطعه ای از یک اثر فرهنگی - تاریخی یا هنری است که فاقد نقش کامل، خط و حیثیت مستقل فرهنگی بوده یا فاقد ارزش حفاظتی باشد و صرفاً از نظر تشخیص دوره ی تاریخی، جنس و ترکیب عناصر آن ارزش مطالعاتی داشته باشد.

اموال تقلبی و یا جعلی: به اموالی گفته می شود که با

سوء نیت از روی یک اثر تاریخی - فرهنگی و هنری خاص تقلید یا با استفاده از نقوش، خطوط و اشکال فرهنگی - تاریخی در دوره ی معاصر ساخته شده است (آیین نامه ی اموال فرهنگی - هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی، ۱۳۸۱).

مجموعه ی اموال فرهنگی - تاریخی یا هنری:

به اموالی اطلاق می شود که علاوه بر ارزش فرهنگی، تاریخی، هنری هر یک از آثار تشکیل دهنده ی آن، اجتماع آنها هویتی مستقل ایجاد و ارزش و حیثیتی مضاعف به وجود آورد (ماده ی ۲ آیین نامه ی اموال فرهنگی - هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی، ۱۳۸۱).

میراث (heritage): میراث در لغت به معنی آن چیزی است

که به ارث رسیده است. این واژه مفهوم انتقال از گذشته به آینده را می رساند. در واقع به میراث بایستی به عنوان ماترکی نگاه کنیم که از نیاکان دریافت کرده و لازم است به نسل های آینده انتقال دهیم.

میراث فرهنگی (cultural heritage): در ماده

ی ۱ قانون اساسی نامه ی سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷ ه.ش چنین تعریف شده است:

«میراث فرهنگی شامل آثار باقی مانده از گذشتگان است که نشان گر حرکت انسان در طول تاریخ می باشد و با شناسایی آن زمینه ی شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می گردد و از این طریق زمینه های عبرت برای انسان فراهم می آید. بنابراین هر بنا، محوطه، سنگ نوشته، مجموعه بناها، بافت های تاریخی و به طور کلی هر شیئی مادی (ملموس) یا موضوع و پدیده ی غیر مادی (غیر ملموس) که

بیانگر بخشی از حیات اجتماعی- فرهنگی بشر در طول تاریخ در سرزمین ایران است یا هر نمادی که هنر، خلاقیت ها، سیر تکوین تحولات تاریخی حیات فرهنگی- اجتماعی انسان در ادوار تاریخ را بیان می نماید، می تواند «اثر» نامیده شده و بخشی از میراث فرهنگی کشور تلقی می شود.» (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱)

در اینجا لازم است به بررسی میراث فرهنگی در قانون مدنی پرداخته شود. هرچند در سال ۱۳۰۷ ه.ش که قانون مدنی تدوین شد میراث فرهنگی به مفهوم امروزی آن مورد توجه نبوده است، اما قانون مدنی راجع به مصادیقی از آن احکامی را وضع کرده که از اولین قوانین ناظر به موضوع محسوب می شود.

قانون مدنی نخستین بار در کشور از عبارت (آثار تاریخی) استفاده کرده و در فصل سوم احکامی را در خصوص مورد وضع کرده است. همچنین مواد ۱۷۳ الی ۱۷۸ از قانون مدنی به دفاینه (کشف اموال فرهنگی- تاریخی) اختصاص یافته است (صمدی ۱۳۸۲، ص ۱۸۸).

قانون مدنی در ماده ی ۲۵، بعضی از مصادیق میراث فرهنگی کشور را مورد حکم قرار داده است:

۱) مشترکات عمومی: اموالی که تعلق به همه ی آحاد جامعه دارد و استفاده از آن اموال در حدود قوانین ناظر به موضوع میسر است. هیچ کس نمی تواند از این قبیل اموال تصرفی کند که مانع از استفاده دیگران شود.

۲) مباحات: اموالی که ملک اشخاص نمی باشد و همه ی افراد جامعه می توانند مطابق قوانین ناظر به موضوع آنها را تملک نمایند مثل اراضی موات.

۳) اموال مجهول المالک: اموالی که قبلاً در مالکیت فرد یا افراد خاصی بوده و اعراض مالک از آن مسلم نیست و امکان شناسایی مالک هم وجود ندارد.

این سه مورد اموالی بودند که مالک خاص نداشته و قانون مدنی مصادیقی از آنچه را که امروز میراث فرهنگی نامیده می شود ذیل این عنوان مورد حکم قرار داده است.

ماده ی ۲۵ قانون مدنی مصادیق بارز میراث فرهنگی غیر منقول از جمله کاروانسراها، آب انبارها، مدارس قدیمی، میدان های عمومی، پل ها را از جمله مشترکات عمومی می داند و در صورتی که مالک خاص نداشته باشد، تملک افراد نسبت به آن ها را غیر قانونی می -داند. با توجه به این که پل ها، کاروانسراها و آب انبارهای عمومی تاریخی امروز تحت عنوان میراث فرهنگی کشور مورد استفاده عموم قرار دارند، لذا حکم قانون مدنی در عدم امکان تملک و استفاده ی انحصاری از این قبیل اماکن به قوت خود باقی است. قانون گذار در ماده ی ۲۵ قانون مدنی کلیه

ی موارد را احصاء نکرده است و با ذکر عبارت (از قبیل) تسری حکم به موارد مشابه را نیز مد نظر داشته است.

ماده ی ۲۶ قانون مدنی بیان کرده که «اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتقالات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین ائاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم های تلگرافی دولت و موزه ها و کتابخانه های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجممله آنچه که از اموال منقول و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.»

اما در مورد آثار و املاکی که جزء میراث فرهنگی کشور محسوب می شوند و در تملک دولت قرار دارند ماده ی ۱۱۵ از قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ ه.ش مجلس شورای اسلامی فروش اموال منقول را که از نفایس ملی باشد و همچنین آثار و بناهای تاریخی را ممنوع اعلام داشته است.

قانون مدنی به مفهوم خاص کلمه ذکری از اموال فرهنگی و تاریخی یا واژه های مترادف ننموده است، به هر حال قانون مدنی فقط در باب دفاینه که از جمله مباحات است احکامی را بیان نموده است و قانون مذکور در مورد اموال فرهنگی- تاریخی به مفهوم علمی آن و احکام مربوط به نحوه ی کشف، تملک، حقوق دولت و... احکامی را بیان نکرده است با تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی در آبان ماه ۱۳۰۹ ه.ش مواد مربوط به دفاینه از قانون مدنی ایران اعتبار اجرایی خود را از دست داد و به طور ضمنی نسخ نشد و مقررات راجع به حفظ آثار ملی که به نام قانون عتیقات نیز معروف است از آبان ماه ۱۳۰۹ ه.ش به مرحله ی اجرا در آمد (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۱).

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تفسیر ماده ی ۲۶ قانون مدنی به دولت ایران اجازه دادند در دعوی خارجی در خصوص استرداد اموال تاریخی- فرهنگی منقول که به صورت قاچاق از کشور خارج شده اند دفاع نماید. براساس این لایحه دولت سؤال کرده بود که آیا ماده ی ۲۶ قانون مدنی مبین مالکیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر اموال فرهنگی- تاریخی منقول زیر خاکی می باشد یا خیر؟ در ماده ی ۲۶ قانون مدنی آمده است: مجلس با مصوبه ی خود دولت جمهوری اسلامی ایران را مالک بر اموال فرهنگی تاریخی منقول زیر خاکی شناخت. دولت در لزوم ارائه ی این لایحه به مجلس عنوان کرده بود که به جهت عدم صراحت ماده ی ۲۶ قانون مدنی در مورد مالکیت دولت

طبقه بندی میراث فرهنگی

بعد از بیان واژه شناسی اموال و میراث فرهنگی لازم است تا به بررسی خلاصه ای از مصادیق و طبقه بندی میراث فرهنگی در حقوق ایران پرداخته شود.

در آیین نامه ی اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب هیئت وزیران در اسفندماه ۱۳۸۱ ه.ش، عمر یک صد سال را برای اموال لازم شمرده و دسته بندی زیر را تبیین کرده است:

۱: اموال فرهنگی - تاریخی،

۲: اموال تاریخی،

۳: اموال فرهنگی،

۴: اموال هنری،

۵: اموال مطالعاتی، و

۶: اموال تقلبی یا جعلی.

ماده ی اول و دوم از قانون راجع به حفظ آثار ملی ۱۳۰۹ ه.ش آثار مشمول ماده را علاوه بر طبقه بندی آنها به ۲ طبقه ی اموال منقول و غیر منقول به دو گروه بزرگ تقسیم می کند:

الف) کلیه ی آثاری که تا پایان دوره ی سلسله ی زندیه در خاک ایران احداث شده اند، اعم از منقول و غیر منقول اثر ملی محسوب و تحت حفاظت و نظارت عام دولت هستند.

ب) از میان آثار مذکور در بند الف آثاری که دارای ویژگی خاص تاریخی - علمی و صنعتی هستند در فهرست آثار ملی ایران ثبت و مشمول حفاظت و نظارت و حمایت خاص مقرر در قوانین ناظر به آثار ثبتی خواهند بود (ص ۱۳۸۲، ۱۹۳).

ماده ی ۱ نظامنامه ی اجرایی همان قانون که در سال ۱۳۱۲ ه.ش تصویب شده است، آثار بند الف را «عتیقه» نام گذاری کرده است. کلیه ی آثار صنعتی اقوامی که تا انتهای دوره ی زندیه در خاک ایران زندگانی کرده اند عتیقه نامیده می شود و عتیقات را ۲ طبقه ی منقول و غیر منقول به شرح زیر تقسیم کرده است:

عتیقات غیر منقول است وقتی که متصل به زمین بوده یا با زحمت قابل حمل و نقل باشد و منقول است وقتی که غیر منقول نباشد. امکانه ی طبیعی از قبیل غارها و پناهگاه های زیر صخوری که شامل آثار تمدن قدیم است جزء آثار غیر منقول محسوب می شود. مصالح ساختمان و یا تزیینات متعلقه به ابنیه و امکانه ی طبیعی که از عتیقات غیر منقول باشد در صورتی که جدا گانه پیدا شده و به آسانی قابل حمل و نقل باشد از عتیقات منقول محسوب می شود.

بر آثار منقول تاریخی - فرهنگی زیر خاکی دولت ایران عموماً در دادگاه های کشورهای اروپایی و درخصوص استرداد اموال تاریخی فرهنگی منقول که به صورت قاچاق از کشور خارج شده نمی تواند دفاع قابل توجهی داشته باشد و این دادگاه ها عموماً بر عدم مالکیت دولت ایران بر اموال مزبور تأکید دارند و بعضاً مبادرت به اصرار حکم مبنی بر بی حقی دولت ایران در دعاوی طرح شده نموده اند.

دولت در این استفسار به آورده است که وجود تفسیر قانونی از ماده ی ۲۶ قانون مدنی که متضمن تأیید حکم ماده ی یاد شده راجع به مالکیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر اموال فرهنگی - تاریخی منقول زیر خاکی باشد، لازم است و این لایحه به همین منظور به مجلس تقدیم شده است.



شی سنگی از آثار استردادای ایران

در این جدول تقسیم بندی میراث نشان داده شده است:

میراث طبیعی	میراث فرهنگی		
	میراث معنوی	میراث مادی	
پارک های طبیعی یا دریایی با جاذبه ی اکولوژیکی مناظر منحصر به فرد، زیبایی طبیعی معادن و.....	موسیقی رقص ادبیات تئاتر سنت های شفاهی آئین های سنتی آداب اجتماعی دانش سنتی صنایع دستی فضاهای فرهنگی مذهب جشن ها و.....	منقول	غیر منقول
		مجموعه های موزه ای کتابخانه ها آرشیو ها و.....	آثار معماری یادمان ها محوطه های باستانشناسی مراکز تاریخی مجموعه بناها پارک ها و باغ های تاریخی باغ های گیاه شناسی باستانشناسی صنعتی و.....

(میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین المللی، یونس صمدی، ۱۳۸۲)

بررسی قوانین داخلی در خصوص حمایت از اموال فرهنگی

برای وارد شدن به بحث حمایت کیفری از میراث فرهنگی ابتدا تاریخچه ی مختصری از خروج اموال فرهنگی بیان می شود: کندو کاوهای منظم و مداوم در ایران با اعطای مجوز کاوش های باستان شناختی در شوش، توسط ناصرالدین شاه به فرانسویان آغاز گردید. «لوفتوس» که عضو انگلیسی کمیسیون مرزی ایران و ترکیه بود و برای حل اختلافات مرزی بین ایران و ترکیه به ایران آمده بود شهر باستانی شوش را مورد حفاری قرار داده و در فاصله سال های ۱۸۵۱ و ۱۸۵۳ م شوش را حفاری و اشیاء حاصله را به موزه ی بریتانیا انتقال داده بود (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴).

کاوش های شوش پس از آمدن مارسل دیولافوا به ایران، از سال ۱۸۸۴ م شروع شد و نزدیک به یک قرن طول کشید. با عقد «قرارداد انحصار اکتشاف آثار قدیمه در ممالک محروسه ی ایران» در سال ۱۸۹۵ م، توسط ناصرالدین شاه و تجدید نظر آن معروف به قرارداد مورگان در سال ۱۹۰۰ م، توسط مظفرالدین شاه، حفاری های باستان شناختی در سراسر ایران به انحصار فرانسه درآمد. قرارداد مذکور کاملاً یک طرفه و به نفع طرف فرانسوی تنظیم شده است و یکی از مهمترین سوء استفاده های دولت فرانسه از جهل حکام حاکم بر ایران است. به موجب این قرارداد «حق کشف عتیقات در ممالک محروسه ی ایران» به دولت فرانسه واگذار شد. کشف لوح حمورابی اثر ارزنده ی دوره ی عیلامی شوش و سند حقوقی مهم دنیای باستان که در موزه ی لوور نگهداری می شود در این دوره اتفاق افتاد. در سال ۱۲۸۹ هـ.ش اداره ی عتیقات توسط صنیع الملک، در قسمت شمالی مدرسه ی دارالفنون به ریاست ایرج میرزا، شاعر معروف، تأسیس شد. سپس به تالار آیینه در کاخ مسعودیه انتقال یافت. اشیای این موزه در سال ۱۳۱۶ هـ.ش به بنای نوین موزه ی ایران باستان منتقل شد. با تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ هـ.ش به کوشش جمعی از دولتمردان و روشنفکران از جمله محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) وزیر امور خارجه ی وقت، اقداماتی آغاز شد که از مهم ترین آنها می توان به تهیه ی فهرستی از ۸۸ بنا و محوطه ی باستانی توسط هر تسفلد، باستان شناس آلمانی، و ثبت آنها در فهرست آثار ملی نام برد. بعد از الغای قرارداد ۱۹۰۰ م در سال ۱۳۰۶ هـ.ش روند حفاری خارجیان در محوطه های تاریخی ایران خاتمه نیافت.

در سال ۱۳۰۶ ه.ش (۱۹۲۷ م.) امتیاز انحصاری فرانسه برای کاوش در ایران لغو و کاوش‌های باستان‌شناختی فرانسوی، به منطقه‌ی شوش محدود شد. در مقابل، احداث موزه و کتابخانه‌ی ملی در تهران و مدیریت آن برای ۱۵ سال به فرانسوی‌ها واگذار شد.

در سال ۱۳۰۷ ه.ش آندره گدار، معمار فرانسوی، به ایران آمد. وی از آغاز سال ۱۳۰۸ ه.ش رسماً به استخدام دولت ایران درآمد و ریاست اداره‌ی عتیقات را بر عهده گرفت. همچنین ساختن موزه و کتابخانه‌ی ملی را از سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ ه.ش به انجام رسانید. گدار تا سال ۱۳۳۲ ه.ش که از طرف دولت متبوع خود بازنشسته شد بر تشکیلات باستان‌شناسی و موزه‌ی ایران باستان ریاست داشت.

در زمینه‌ی بررسی و معرفی هنر ایران، غیر از گدار، باید به فعالیت‌های آرتور ایهام پوپ، شرق‌شناس امریکایی، اشاره کرد که نخستین بار در سال ۱۳۰۴ ه.ش به ایران آمد. او یک سال بعد نمایشگاهی از هنرهای ایرانی در ویلادلفیا برپا کرد و در سال ۱۳۰۷ ه.ش مؤسسه‌ی امریکایی هنر و باستان‌شناسی ایران را در نیویورک بنیان گذاشت.

پس از گدار، ابتدا محمد تقی مصطفوی و سپس ایرانیان دیگر ریاست تشکیلات باستان‌شناسی و ادارات کل دیگری را عهده‌دار شدند که بعدها با ادغام آنها سازمان میراث فرهنگی کشور تشکیل شد. ولی فعالیت هیئت‌های خارجی در ایران تا سال ۱۳۵۷ ه.ش همچنان ادامه یافت (درگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی).

از سال ۱۲۸۹ ه.ش برای اولین بار «میراث فرهنگی» یا به تعبیر قانون تشکیل معارف اوقاف و صنایع مستظرفه «ودایع ملی» و ابعاد مختلف ناظر به موضوع (پژوهش، حفاظت، احیاء و معرفی) جایگاه خود را در قوانین لازم‌الاجرای کشور پیدا کرده و همگام با تحولات اجتماعی و تا حدودی متأثر از تحولات جهانی تحول و تطور یافته است، اما اولین سابقه‌ی تقنینی راجع به جرایم علیه میراث فرهنگی که در آن قانون گذار توجه به آثار گذشتگان و آنچه که به عنوان میراث فرهنگی نامیده می‌شود نشان داد را می‌توان در قانون مجازات عمومی جستجو کرد. به استناد قانون مذکور می‌توان گفت که قانون گذار با صراحت از جرایم علیه میراث فرهنگی نام برده است. مواد ۱۲۷ و ۱۲۷ مکرر و ۱۲۸ به منع تخریب آثار تاریخی اختصاص یافته بود.

همچنین اولین قانون نسبتاً جامع ناظر به میراث فرهنگی در سال ۱۳۰۹ ه.ش و تحت عنوان «قانون راجع به حفظ آثار ملی» تصویب گردید که با اصلاحات بعدی آن هنوز هم از اعتبار قانونی برخوردار است (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲).

در ایران نخستین قانون در زمینه‌ی آثار فرهنگی - تاریخی موسوم به قانون عتیقات که پیش‌نویس اولیه‌ی آن را هر تسفلد تهیه کرده و توسط گدار تجدیدنظر و تکمیل شده بود در آبان سال ۱۳۰۹ ه.ش

به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به اجرا درآمد. این قانون را ذکاءالملک فروغی نوشت که به قانون عتیقات معروف شد. این قانون که اساس قوانین مربوط به میراث فرهنگی ایران به شمار می‌رود، تقسیم اشیای مکشوفه را به ترتیبی که در قانون ذکر شده بین دولت و کاوش گر مجاز می‌شمرد و حتی صدور سهم کاشف را از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف می‌دانست.

در ۲۸ آبان ماه ۱۳۱۱ ه.ش آئین‌نامه‌ی اصلاحی اجرای قانون راجع به حفظ آثار عتیقه و در ۲۶ آذر ماه ۱۳۴۷ قانون خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی به تصویب رسید تا آنکه در سال ۱۳۵۲ ه.ش به همت فیروز باقرزاده رئیس مرکز باستان‌شناسی ایران، تقسیم اشیای مکشوفه در کاوش‌های باستان‌شناختی متوقف شد.

از جمله قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲ ه.ش، قانون الحاق ایران به کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان در سال ۱۳۵۳ ه.ش و موادی از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ ه.ش که ناظر بر سرقت، تخریب، تخلف از ضوابط مصوب، خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور، حفاری غیر مجاز، و جز آن می‌باشد.

هفت سال پس از انقلاب اسلامی، با تصویب قانون تشکیلات سازمان میراث فرهنگی کشور در بهمن سال ۱۳۶۴ ه.ش، با ادغام چندین مرکز و اداره‌ی کل، سازمان میراث فرهنگی ایران، از ابتدای سال ۱۳۶۶ ه.ش رسماً کار خود را آغاز کرد.

از این پس، عبارت میراث فرهنگی به جای کلمات و ترکیب‌های دیگر، جایگزین شد و بیش از پیش کاربرد یافت (درگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی).

سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۸ ه.ش تلاش نمود تا به نوعی بتواند این اشیاء تاریخی - فرهنگی و هنری را از شکل و صورت اموال عادی دولتی خارج و فرم مشخصی برای آنان به وجود آورد. و سرانجام در سال ۱۳۸۲ ه.ش دولت وقت، آئین‌نامه‌ای را در این ارتباط مصوب نمود که بر اساس مفاد آن، اشیاء تاریخی - فرهنگی و هنری در اختیار بخش دولتی و نهادهای عمومی است. در مردادماه سال ۱۳۸۳ ه.ش یعنی یک سال پس از تصویب آئین‌نامه فوق‌الذکر آئین‌نامه‌ای مکمل توسط دولت وقت مصوب شد که آئین‌نامه‌ی حمایت از مجموعه داران و مالکین اموال خصوصی است. در حقیقت به نوعی تکلیف صاحبان اشیاء فرهنگی، تاریخی و هنری در بخش عمومی و غیردولتی مشخص می‌شود و حقوق آنها معین و مرزها را مشخص می‌سازد (سایت همشهری آنلاین).

از مهمترین قوانین کیفری پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی

می توان به قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ ه.ش اشاره نمود. مواد ۴۶ و ۴۷ از قانون مزبور به این امر اختصاص می یافت.

نهایتاً در سال ۱۳۷۵ ه.ش مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی فصل نهم آن را به تخریب اموال تاریخی- فرهنگی اختصاص داد که در این فصل انواع جرائم علیه میراث فرهنگی به همراه ضمانت اجراهای متناسب از ماده ۵۵۸ الی ۵۶۹ مقرر گردید. عناوین جزایی مندرج در قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش تا سال ۱۳۴۷ ه.ش قوت قانونی خود را حفظ کردند. تصویب ماده ۱۲۷ مکرر از قانون مجازات عمومی سابق طیف و تعریف جرایم علیه میراث فرهنگی کشور را گسترده تر و مجازات- های مقرر را تشدید کرد.

ممنوعیت صدور هرگونه اموال تاریخی- فرهنگی از کشور مصوب ۱۳۵۸ ه.ش شورای انقلاب اسلامی، لایحه ی قانونی راجع به جلوگیری از حفاری های غیر مجاز، قانون تعزیرات خصوصاً تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ه.ش و قانون تشدید مجازات اخلاف گران در نظام اقتصادی کشور طیف جرایم مرتبط با میراث فرهنگی را تعریف و مجازات های قانونی متناسب با جرم را تعیین نموده است (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶).

در راستای مبارزه با اقدامات غیر قانونی، دوازده ماده ی ۵۵۸ الی ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی (قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ ه.ش) جانشین مواد ۴۶ و ۴۷ (قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ ه.ش)، به تخریب اموال تاریخی و فرهنگی تخصیص داده شده اند. البته مواد دوازده گانه ی مذکور تنها به «تخریب» این اموال نمی پردازد، بلکه اعمالی چون سرقت، کاوش، خرید و فروش، قاچاق و تغییر دادن نحوه ی استفاده از آنها را نیز در بر می گیرند و بنابراین، بهتر آن بود که این مواد تحت عنوان «جرایم علیه اموال تاریخی و فرهنگی» ذکر می شدند.

با توجه به این که این اموال بخشی از میراث فرهنگی کشور را تشکیل می دهند، جرایم ارتكابی علیه آنها را می توان علاوه بر جرم علیه اموال، از زمره ی جرایم علیه آسایش عمومی محسوب کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۹).

تخریب آثار ملی که به ثبت رسیده اند

تا قبل از تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش هیچ گونه مبارزه ای با تخریب میراث فرهنگی به منظور حفاظت از ارزش های فرهنگی آن انجام نمی گرفت.

ماده ی ۶ از قانون راجع به حفظ آثار ملی منهدم کردن یا خرابی وارد کردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها به اندود یا رنگ و رسم نقوش و خطوط بر روی آن ها را ممنوع اعلام کرده است.

ماده ی ۷ از نظام نامه ی اجرایی همان قانون نیز با عبارتی قریب به

مضمون مندرج در ماده ی ۶ قانون تخریب بناها و آثار تاریخی غیر منقول را ممنوع و برای مرتکب مجازات جزایی بین ۵۰ الی هزار تومان جزای نقدی تعیین نموده و امکان مطالبه ی خسارت را منتفی ندانسته است، البته امکان مطالبه ی خسارت ناشی از تخریب منوط به مالکیت دولت بوده و بدیهی است در مواردی که خود مالک اقدام به تخریب می نمود امکان مطالبه ی خسارت وجود نداشت.

مجازات مذکور تا سال ۱۳۴۷ ه.ش که ماده ی ۱۲۷ مکرر از قانون مجازات عمومی سابق به تصویب رسید در محاکم کشور اجرا می- گردید.

در ماده ی ۱۲۷ مکرر تحقق جرم را منوط به وجود یکی از دو شرط (۱) قصد اضرار، (۲) جلب منفعت ذکر کرده است و تخریب اثر تاریخی را جرم و مجازات آن را به ۲ تا ۱۰ سال حبس مجرد تشدید داد (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۳).

به موجب ماده ی ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی به بار آورد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می شود.»

تعریف اصطلاح تخریب عبارت است از خراب کردن یا ناقص نمودن جزئی یا کلی توأم با سوء نیت، نسبت به مال یا شیء و یا اثر متعلق به شخص دیگر به نحوی که قانوناً تخریب محسوب شود تخریب یکی از عوامل اصلی نابودی اموال تاریخی است. این تخریب نیز اعم است از نابودی کامل یا ایجاد خرابی، تخریب جزئی و تغییر شکل.

عنصر مادی در این ماده عبارت است از فعل خرابی وارد آوردن به تمام یا قسمتی از اموال و آثاری که در ماده بیان شده است و این عمل فقط با فعل مثبت مادی صورت می گیرد و با ترک فعل محقق نمی شود. در مورد موضوع جرم باید گفت که موضوع جرم عبارت است از: ابنیه، اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ثبت شده است و یا تزئینات و ملحقات و تأسیسات و اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد.

ماده ی یک قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ ه.ش بیان می کند: «کلیه ی آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره ی سلسله ی زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول با رعایت ماده ۳ این قانون می توان جزء آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می باشد.»

ماده ی ۵ همین قانون می گوید: «اشخاصی که مالک یا متصرف مالی

باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد، می‌توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند، ولیکن نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم می‌داند ممانعت نماید...» علاوه بر این مواد، ماده واحده ی قانون ثبت آثار ملی مصوب اول آبان ماه ۱۳۵۲ ه.ش می‌گوید: «به وزارت فرهنگ و هنر اجازه داده می‌شود که علاوه بر آثار مشمول قانون حفظ آثار ملی مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ ه.ش آثار غیر منقولی را که از حیث تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشد صرف نظر از تاریخ یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور در قانون مزبور به ثبت برسانند. آثار ملی مذکور در این ماده مشمول کلیه ی قوانین و مقررات مربوط به آثار ملی خواهد بود...» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰)

نهایتاً موضوع جرم باید دو ویژگی داشته باشد: یکی اینکه موضوع جرم باید دارای جنبه ی فرهنگی- تاریخی و مذهبی باشد، دوم اینکه آن موضوعات در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده باشد. بدیهی است با توجه به مقررات خاص سازمان میراث فرهنگی اموال منقول حتماً باید مربوط به قبل از تاریخ سلسله ی زندیه باشد، اما اموال غیر منقول صرف نظر از تاریخ پیدایش آن، موضوع ماده قرار می‌گیرند.

در مورد عنصر معنوی باید گفت که مرتکب باید در این ماده دو علم داشته باشد، اول علم به اینکه این ابنیه و آثار و اماکن جنبه ی فرهنگی- تاریخی و مذهبی دارند. دوم علم به اینکه این اموال و ابنیه در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند. جهل به فهرست آثار ملی به عنوان یک حکم غیر کیفری که مبنای حکم کیفری ماده ی ۵۵۸ قرار گرفته است رافع مسئولیت دانسته می‌شود. علاوه بر این مرتکب باید بخواهد که به طور عمدی به مجموعه‌های فوق یا ملحقات و تأسیسات و لوازم و خطوط آنها صدمه بزند. یعنی سوء نیت عام داشته باشد، ولی سوء نیت خاص یعنی تحصیل نتیجه ی ضرر در سوء نیت عام محفوظ و مستتر است.

مجازات تخریب در ابنیه و اماکن و مجموعه‌ها و محوطه‌های فرهنگی- تاریخی و مذهبی و ملحقات آنها مجازات حبس از یک تا ده سال است، البته این جرم قابل گذشت می‌باشد و با لحاظ اهمیت حیثیت خصوصی آن، اگر سازمان میراث فرهنگی کشور به عنوان مدعی خصوصی گذشت کند دادگاه می‌تواند حکم موقوفی تعقیب را صادر کند و یا اینکه در مجازات مرتکب، تخفیف قائل شود (نیازی، ۱۳۸۷).

جرم تخریب آثار فرهنگی- تاریخی و مذهبی ویژگی‌هایی دارد، از جمله اینکه این جرم مقید است؛ بنابراین حصول نتیجه ی مجرمانه شرط تحقق آن است. جرم تخریب جرم ساده است و برخلاف جرم مرکب که نیاز به تعدد اعمال مختلف دارد یا جرم اعتیادی که نیاز به تکرار عمل مشابه دارد می‌باشد. جرم تخریب آثار فرهنگی-

مذهبی و تاریخی جرم آنی است و عنصر مادی آن در یک لحظه از زمان ارتکاب می‌یابد و جرمی عمومی است که در ردیف سرقت، کلاهبرداری و اختلاس و... می‌باشد. بنابراین با هر انگیزه‌ای ارتکاب یابد مطابق مقررات فعلی در ردیف جرم عمومی است.

شایان ذکر است چنانچه ابنیه و اماکن مذکور موضوع ماده ی ۵۵۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت نرسیده باشند از شمول این ماده خارجند و مطابق حکم شماره ی ۲۲۹۸-۱۷/۹/۱۳۱۸ شعبه ی ۵ دیوان عالی کشور «کنسند در امامزاده یک نحو تنقیص و تخریب نسبت به بنای بقعه و تزئینات است و از مصادیق این ماده است.» (گلدوزیان، دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲۷۲) و چنانچه جرائم ارتكابی علیه اموال تاریخی یا فرهنگی و مذهبی نظیر تخریب، سرقت، قاچاق، حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال مزبور یا خرید و فروش آنها موضوع ماده ی موصوف به وسیله ی اشخاص حقوقی انجام شود، هر یک از مدیران و مسئولان که دستور دهنده باشند بر حسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند (گلدوزیان، بهار ۸۳، ص ۴۴۷).

سرقت و خرید و فروش آثار فرهنگی و تاریخی

قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش سرقت اموال فرهنگی- تاریخی از موزه ها و اماکن تحت پوشش را به عنوان یک جرم خاص قلمداد نکرده است و تا تصویب ماده ی ۱۲۷ مکرر از قانون مجازات عمومی سابق سرقت اموال فرهنگی- تاریخی از موزه ها و اماکن تحت پوشش سرقت عادی تلقی و مشمول مجازات‌های مقرر برای سرقت عادی بود.

ماده ی ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی سابق سرقت آثار فرهنگی- تاریخی را به عنوان یک جرم خاص تعریف و مجازات آن را ۲ تا ۵ سال حبس مجرد تعیین کرده است.

قانون اخیر الذکر با تصویب قانون مجازات اسلامی (باب تعزیرات) نسخ و در حال حاضر ماده ی ۵۵۹ از قانون اخیر الذکر مصوب ۱۳۷۵ ه.ش قانون لازم الاجرا ناظر به مورد است (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۸).

به موجب ماده ی ۵۵۹ قانون تعزیرات «هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی- تاریخی را از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیاء مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد، علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.»

عنصر مادی سرقت اشیاء و قطعات آثار فرهنگی- تاریخی عبارت است از این که شخص با اراده و اختیار خود یکی از لوازم و قطعات و اشیاء حفاظت شده در اماکن فرهنگی- مذهبی و یا تاریخی را به طور مخفیانه یا با علم به مسروقه بودن به تصرف خود در آورده و آن را خارج کند یا ببرد. بنابراین مال مسروقه باید اشیاء لوازم مصالح و قطعات آثار ملی و تاریخی باشد و ثبت آنها در فهرست آثار ملی از شرایط تحقق جرم سرقت نمی باشد (همان، ص ۲۷۱)

یا اینکه ابتدا شخص سارق آنها را برود، سپس شخص دیگری با علم و اطلاع از اینکه اشیاء یا لوازم مورد نظر مسروقه است آن اشیاء یا قطعات را آگاهانه مخفی نماید.

جرم سرقت و خرید و فروش یا اخفای اشیاء و لوازم مسروقه از اموال تاریخی- فرهنگی از جرائم عمدی است. اما برای تحقق عنصر معنوی آن بر حسب مورد باید قائل به تفکیک شده زیرا در مورد کسی که آگاهانه دست به ربودن اشیاء مورد نظر می زند به همین اندازه که موفق به ربودن مال شود، مجرم شناخته می شود و در مورد خریدار هم لازم است که مرتکب با علم و اطلاع از مسروقه بودن آنها مبادرت به خریداری و فروش آنها بنماید.

مجازات سرقت اشیاء و قطعات فرهنگی- تاریخی از موزه ها و نمایشگاه ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکنی که تحت حفاظت و نظارت دولت است در صورتی که واجد شرایط حد سرقت باشد به موجب ماده ی ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر است:

«در مرتبه ی اول، کیفر سارق، قطع ۴ انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند. در مرتبه ی دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند. در مرتبه ی سوم حبس ابد. در مرتبه ی چهارم اعدام است، ولو سرقت در زندان باشد. « و در غیر این صورت یعنی در صورتی که سرقت اشیاء و قطعات آثار فرهنگی- تاریخی مشمول حد سرقت نگردد، علاوه بر استرداد مال، مجازات حبس از ۱ تا ۵ سال خواهد بود.

بررسی جرم خریدن یا پنهان نمودن آثار فرهنگی-تاریخی

جرم خریدن یا پنهان نمودن آثار فرهنگی- تاریخی جرم مجزا و مستقل از سرقت آنها است و منظور قانون گذار از جمله ی «... اشیاء مذکور را بخرد...» در اختیار گرفتن و خریدن اشیاء و قطعات مسروقه به هر طریق ممکن می باشد و منظور از «پنهان دارد» نیز نگهداری آن اشیاء و قطعات مسروقه نزد خود و یا در جای دیگر که از آن کسی می باشد، است. پس خریدار یا مخفی کننده ی اموال مسروقه به هیچ عنوان در هنگام سرقت مداخله نداشته و در اقدام به آن عمل نیز هیچ گونه کمکی نکرده است بلکه فقط آگاهانه و با تبانی با سارق آن را

مخفی می نمایند.

مرتکب جرم موضوع ماده ی ۵۵۹ باید در خریدن و پنهان نمودن اشیاء و قطعات مسروقه ی آثار فرهنگی- تاریخی به لحاظ اینکه این عمل از جرایم عمدی است سوء نیت داشته باشد. به همین جهت قانون گذار، علم خریدار و یا مخفی کننده را نسبت به مسروقه بودن اشیاء مذکور شرط تحقق عنصر معنوی جرم قرار داده است. بنابراین در صورتی که کسی بدون علم و اطلاع از مسروقه بودن اشیاء مذکور مبادرت به خریدن یا پنهان نمودن آن نماید به علت فقدان سوء نیت عنصر معنوی، مستوجب مجازات نخواهد بود (نیازی، ۱۳۸۷).

از عوامل تأثیر گذار در گسترش سرقت های فرهنگی می توان به:

سرقت آثار فرهنگی در میان جرایم این حوزه، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. شوق در اختیار داشتن اموال عتیقه در کنار فعالیت وسیع کلکسیونرها و سود سرشاری که از این راه عاید می شود موجبات رونق باندهای سرقت آثار فرهنگی و تاریخی را فراهم آورده است.

۱- بالا بودن نرخ بیکاری و اعتیاد در جامعه به خصوص در بین نسل جوان.

۲- باندهای بین المللی قاچاق اشیاء عتیقه که فعالیت گسترده ای را با نیت بی هویت نمودن فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی آغاز نموده و از بیکاری جوانان یا مشکل اعتیاد آنها نهایت بهره برداری را می کنند.

۳- کافی نبودن فعالیت های فرهنگی و آموزشی مناسب در جهت روشنگری مردم به خصوص نوجوانان و جوانان و آشتی دادن آنها با گذشته ی پرافتخار خود.

۴- نرسیدن به شرایط ایده آل از لحاظ مسائل حفاظتی اعم از نیروی انسانی و تجهیزات و مسائل مادی ایشان.

۵- ناپیسیز بودن برخی از احکام صادره در خصوص جرایم انجام شده اعم از حفاری یا سرقت با علم به این موضوع که ماده ی مذکور نه تنها تفاوتی میان سرقت و خرید اموال فرهنگی- تاریخی ایجاد نکرده است، بلکه مجازات به نسبت قابل توجهی را برای این دسته از مجرمان گذاشته است. هر چند بهتر بود که مجازات نقدی سنگینی نیز برای این دسته از مجرمین در نظر گرفته می شد (رامبد، علی، ۱۳۸۵).

راهکارهای مناسب برای جلوگیری از گسترش سرقت های فرهنگی

۱) ایجاد فرهنگ حفاظت از آثار تاریخی و توجه بیشتر به آموزش های فرهنگی جهت بالا بردن سطح آگاهی مردم به خصوص نسل جوان در بعد هایی مانند سرقت آثار تاریخی مافیای میراث فرهنگی حفاری های غیر مجاز و ساخت و ساز در حریم آثار تاریخی می- تواند مؤثر واقع شود.

۲) ایجاد سایت های حفاظتی یگان حفاظت در تمام محوطه های

تاریخی و شهرها و محوطه‌ها در کنار ایجاد واحدهای ویژه در نقاط مرزی به همراه نیروی انتظامی می‌تواند در کاهش این جرایم مؤثر باشد. یکی از وظایف نیروی انتظامی رسیدگی به جرایم میراث فرهنگی است، البته ممکن است این وظیفه از الویت‌های نیروی انتظامی نباشد زیرا آنها وظایف اصلی را به یگان حفاظت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری محول کرده‌اند.

۳) همکاری و تقابل بیشتر نیروی انتظامی در کشف و شناسایی باندهای قاچاق اشیاء عتیقه.

۴) بازنگری قوانین موجود در برخورد با متخلفین و مجرمین.

۵) صدور رأی متناسب با جرایم انجام شده در حوزه‌ی میراث فرهنگی.

۶) تشکیل انجمن‌های میراث فرهنگی در بخش‌ها و روستاهای استان‌ها به‌عنوان بازوان توانمند سازمان میراث فرهنگی.

۷) حمایت از تشکلهای غیر دولتی دوستداران میراث فرهنگی (سازمان‌های مردم‌نهاد یا سمن).

انجام عملیاتی که منجر به تزلزل بنیان آثار فرهنگی - تاریخی شود

بر اساس بند ۱۲ از ماده‌ی ۳ اساس‌نامه‌ی سازمان میراث فرهنگی تعیین جرایم آثار فرهنگی - تاریخی از جمله وظایف سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۶).

به موجب ماده‌ی ۵۶۰ قانون تعزیرات: «هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود یا در نتیجه‌ی آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارت وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.»

این جرم از زمره‌ی جرایم مقید است. به علاوه، به نظر می‌رسد که منظور از لطمه، لطمه‌های فیزیکی و عادی است (مثل این که بر اثر گود برداری در نزدیکی تخت جمشید بخشی از کنگره‌های موجود بر روی دیوارها فرو ریزند). نه این که صرفاً صدمه‌ی معنوی به اثر تاریخی وارد آید (مثلاً با احداث یک برج بلند در حریم تخت جمشید ابهت بنای تخت جمشید از بین برود) (صادقی، میر محمد، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰).

از شروط قانونی تحقق جرم تجاوز به حریم عبارتند از:

۱) وجود اثری که در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

۲) تصویب و ابلاغ حریم.

۳) تحقق مادی عملیات.

۴) انتساب عملیات به فرد یا افراد خاص.

۵) شرایط لازم در عملیات: ۱- تزلزل بنیان اثر؛ ۲- ورود خرابی یا صدمه (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۹).

عمل مرتکب در این ماده به‌طور غیر مستقیم سبب تزلزل بنیان آثار فرهنگی - تاریخی می‌شود. در این ماده نیز عمل مرتکب باید به صورت فعل مثبت مادی و بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی صورت می‌گیرد. موضوع جرم عبارت است از آثار فرهنگی - تاریخی.

در مورد عنصر معنوی این جرم باید گفت که مرتکب جرم موضوع ماده‌ی ۵۶۰ باید به ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان میراث فرهنگی علم داشته باشد و با اطلاع از آنها اقدام به چنین اعمالی نماید. علاوه بر این مرتکب باید عمداً در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مبادرت به عملیاتی کند که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یعنی مرتکب باید سوء نیت عام داشته باشد ولی نیازی به اثبات سوء نیت خاص نیست.

مجازات این جرم حبس از یک تا سه سال می‌باشد این جرم مثل سایر جرایم علیه اموال تاریخی و فرهنگی قابل گذشت می‌باشد و بر اساس ماده‌ی ۷۲۷ تعزیرات قابل ترتیب اثر است.

به نظر می‌رسد که منظور مقنن از ماده‌ی ۵۶۰، آثار فرهنگی، مذهبی و تاریخی است که در فهرست آثار ملی ثبت نشده‌اند. مجازات کم مذکور در این ماده موید این نظر است.

قاچاق اموال تاریخی - فرهنگی

این ماده یکی از مهمترین مواد تنظیمی توسط مقنن در سال ۱۳۷۵ ه.ش است.

بر اساس ماده‌ی ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نینجامد، قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال و حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوعه‌ی قاچاق محکوم می‌گردد.»

تبصره - تشخیص ماهیت فرهنگی - تاریخی به عهده‌ی سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد.»

منظور از (اقدام به خارج کردن)، شروع به قاچاق این گونه اموال می‌باشد، مثل این که شخصی اموال مذکور را به خارج پست کرده، ولی مأمور پست آنها را کشف کند و یا در حین تفتیش چمدان‌هایش در گمرک، خروج این اموال توسط مأمور گمرک کشف و از خروج آنها جلوگیری شود. در این مورد ماده‌ی ۱۵ آئین‌نامه‌ی اجرایی قانون معافیت ورود و صدور اشیای عتیقه و آثار فرهنگی و هنری اصیل و معتبر از حقوق و عوارض گمرکی مصوب سال ۱۳۵۴ ه.ش، نیز قابل توجه است که به موجب آن، صدور اشیای عتیقه‌ی ایرانی که طبق

قانون حفظ آثار ملی و آیین نامه ی اجرایی آن در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد و یا هنگام تقاضای صدور و معاینه ی آنها معلوم شود که از نظر اهمیت می توان آنها را در عداد آثار ملی ثبت نمود ممنوع است، ولی صدور بقیه ی اشیاء با رعایت این آیین نامه آزاد است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰).

در اینجا مرتکب جرم می بایست اقداماتی در جهت خارج کردن اشیاء فرهنگی- تاریخی از کشور را به هر طریق ممکن انجام دهد تا عنصر مادی جرم محقق شود. در این ماده استثنائاً مقنن برای مقابله با کسانی که اقدام به خارج کردن اموال مذکور از کشور می کنند شروع به عملیات را هر چند منجر به خروج آنها نگردد، جرم شناخته است. در این ماده قانون گذار برای شروع به قاچاق، مجازات جرم تام در نظر گرفته است (گلدوزیان، دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲۷۳).

در این خصوص برای تحقق عنصر روانی جرم عمدی خارج کردن اموال تاریخی- فرهنگی از کشور کافی است که مرتکب، آگاهانه و با علم و اطلاع به ممنوعیت خارج کردن اموال مذکور، قصد و سوء نیت مجرمانه را، با هر اقدامی حتی اگر منجر به خروج آن اموال از کشور هم نشود بروز دهد یا به عبارتی آشکار نمودن اقدامات و عملیات لازم برای خارج کردن اموال مذکور از کشور به صورت محسوس و عینی، کاشف عنصر روانی است.

مجازات مرتکب جرم در جهت خارج کردن اموال تاریخی- فرهنگی از کشور علاوه بر استرداد اموال موضوع جرم و حبس از یک تا سه سال، پرداخت جریمه ی معادل دو برابر اموال موضوع قاچاق می باشد. در اینجا که این جرم از جرایمی است که حیثیت خصوصی آن دارای اهمیت بیشتری است و در نتیجه تعقیب جرم با اعلام شکایت سازمان میراث فرهنگی کشور به عنوان شکای و مدعی خصوصی شروع می شود و در صورت استرداد اموال و پرداخت جریمه از ناحیه ی مجرم با استناد به ماده ی ۷۲۷ با گذشت سازمان میراث فرهنگی کشور داد گاه می تواند با رعایت موازین شرعی حکم موقوفی تعقیب و یا اینکه در مجازات مجرم قائل به تخفیف شود... (نیازی، ۱۳۸۷). چون این جرم قاچاق است رسیدگی به آن در صلاحیت داد گاه انقلاب است (گلدوزیان، دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲۷۳).

حال در اینجا به چند نمونه از عواملی که موجبات رشد قاچاق میراث فرهنگی را فراهم آورده اند اشاره می کنیم:

۱- پرداخت قیمت های گزاف از آن سوی مرزها، موجب اغوای انسان های سودجو در این سو می شود و این اغوا شدگان، گاه بی آنکه از نیت های شوم استعماری برای ضربه زدن به فرهنگ ملی کشورهای عقب نگه داشته شده باخبر باشند، به استعمار گران فرهنگی در دستیابی به هدف های غیر انسانی شان کمک می کنند.

۲- گروه های مختلف با ویژگی ها و وضعیت های مختلف و متفاوت

با یکدیگر، در قاچاق اموال فرهنگی دست دارند اما شیوه هایی که به کار می برند، آنگونه که ما می پنداریم، پیچیده و غیر قابل دفاع نیست. در بیشتر موارد، این افراد از غفلت ها و نا آگاهی مردم به ویژه روستاییان ساده دل و پاک نهاد سوء استفاده می کنند، ما با داشتن پیشینه ی تاریخی چند هزار ساله، بر اثر غفلت و بی توجهی حکومت های ناصالح پیشین و سیاست گذاری های غلط گذشته، بسیاری از میراث و اموال فرهنگی مان را با سه- چهار هزار سال قدمت از دست دادیم و امروز موزه های بزرگ و معتبر دنیا با داشتن اشیاء تاریخی ایرانی به خود می بالند و مباهات می کنند.

نا آشنایی مردم با مجموعه ی میراث فرهنگی کشورمان، می تواند آسیبی جدی به بنیادهای فرهنگی و تاریخی کشور وارد سازد. بنابراین می توانیم با برنامه ریزی گسترده و تخصیص بودجه ی کافی، عامه ی مردم را با میراث فرهنگی کشور و اهمیت آن در زندگی روزمره و اعتلاء جامعه آشنا کنیم.

اگر چنین شود، خود مردم به پاسدار میراث فرهنگی تبدیل خواهند شد و انشاء الله دیگر مشکلی به نام قاچاق اموال فرهنگی نخواهیم داشت (سگوند، فریدون، ۸۴، ص ۹).

۴- قاچاق اشیاء عتیقه ی مانند قاچاق کالاها در حجم وسیعی صورت نمی گیرد که بتوان به راحتی با آن مبارزه کرد در حالی که قاچاق کالاها به صورت ترانزیتی و چشمگیر است، قاچاق اشیاء عتیقه با ظرافت های خاصی صورت می گیرد و به همین خاطر قاچاق عتیقه با پیچیدگی های زیادی رو به روست. قاچاق اشیاء عتیقه، بخشی از هویت ملی ایران را از بین می برد، رسیدگی به این موضوع یکی از اولویت های اصلی دستگاه قضایی است.

به هر حال در شرایطی که قوه ی قضاییه و وزارت دادگستری در صدد تدوین قانون جامع جرایم قاچاق اشیاء عتیقه هستند و رسیدگی به قاچاق اشیاء عتیقه به خارج از کشور را یکی از محورهای اصلی قانون جامع قاچاق کالا عنوان می کنند. به نظر می رسد که ستاد مبارزه با قاچاق کالا هم باید توجه بیشتری به این بخش از قاچاق کالا داشته باشد و زمینه ی فعال شدن این حوزه را در فعالیت های خود فراهم کند.

راه های پیشگیری از قاچاق اموال فرهنگی

۱- تقویت هر چه بیشتر حضور کارشناسان در محافل بین المللی مربوط به میراث فرهنگی.

۲- اجرایی نمودن کامل آیین نامه ی حفاظت از اموال فرهنگی، تاریخی که نظارت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر ثبت و ضبط اشیاء و اموال فرهنگی خارج از چارچوب سازمان (در اختیار سایر اشخاص حقیقی و حقوقی) را به دنبال دارد.

۳- ارتقاء سطح فرهنگ جامعه و توجه مردم به این نکته که اموال

فرهنگی، به مثابه ی ثروت های ملی و ابزار فرهنگی هستند.

۴- تقویت هر چه بیشتر یگان و ویژه ی پاسداران میراث فرهنگی.
۵- آشنا ساختن عموم مردم به اهمیت آثار تاریخی و ارزش این آثار از طریق آموزش در مدارس، دانشگاه ها و با استفاده از رسانه های جمعی.

۶- گسترش و تقویت سازمان های غیردولتی دوستداران میراث فرهنگی و گردشگری و جلب همکاری و خود یاری مردم متعهد و علاقه مند در حفاظت و معرفی تپه ها و بناهای تاریخی.

۷- توسعه ی امکانات بازرسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور (سگوند، ۸۴، ص ۹).

حفاری غیر مجاز برای به دست آوردن اموال

تاریخی - فرهنگی

ماده ی ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی: «هرگونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیای مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می شود، چنانچه حفاری در اماکن و محوطه های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیای مکشوفه و آلات و ادوات حفاری، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود.»

قانون ۱۳۰۹ ه.ش به لحاظ رعایت حق دولت برای کسانی که به حق دولت تجاوز نموده و اراضی محوطه ها و تپه های باستانی را مورد حفاری غیر مجاز قرار می دادند مجازات هایی را قایل شده است.

بر اساس ماده ی ۳۶ از نظام نامه ی اجرایی قانون عتیقات، هر کس بدون اجازه ی صحیح به حفاری بپردازد یا آنکه عتیقات را به طور قاچاق از کشور خارج کند به اداء جریمه از ۲۰ تومان الی ۲ هزار تومان محکوم خواهد شد و اشیاء مکشوفه را دولت توقیف و ضبط خواهد کرد.

این مجازات تا سال ۱۳۴۷ ه.ش بر قرار بود، اما در این سال برای حفاظت از میراث فرهنگی کشور بخش مربوط به مقررات جزایی قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش مورد بازنگری واقع شد و ماده ی ۱۲۷ مکرر از قانون مجازات عمومی سابق به این امر اختصاص یافت. هر کس بدون رعایت ترتیبات مقرر در قانون راجع به حفظ آثار عتیقه به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه در اراضی و تپه ها و اماکن تاریخی حفاری کند به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می شود ولو اینکه اراضی و تپه ها و اماکن ملک شخصی او باشد.

بعد از سال ۱۳۵۲ ه.ش که حفاری تجاری عملاً متروک ماند (قوانین

به قوت خود باقی ماند اما دستگاه مجری از صدور مجوز حفاری خود داری کرد) امر مبارزه با حفاری غیر مجاز جدی تر پیگیری شد.

در مقدمه ی ماده واحده ی مصوب شورای انقلاب اسلامی ایران در ۲۷/۲/۱۳۵۸ علت ممنوعیت حفاری بیان شده است: «نظر به ضرورت حفظ ذخایر متعلق و مربوط به میراث اسلام فرهنگی و لزوم حفظ و حراست این موارد از نقطه نظر جامعه شناسی و تحقیقات علمی و فرهنگی و تاریخی و نظر به ضرورت جلوگیری از غارت و صدور این ذخائر ارزنده به خارج از کشور که طبق مقررات مملکتی و بین المللی منع شده است ماده واحده ی زیر تصویب می شود.»

بر اساس بند ۱ از ماده واحده ی اخیرالذکر انجام هر گونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی مطلقاً ممنوع است و مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری به نفع بیت المال محکوم می شود. چنانچه حفاری در اماکن تاریخی که به ثبت آثار ملی رسیده باشد انجام گیرد مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می گردد (همان، ص ۲۸۹).

جرم حفاری (به معنی کندن) و کاوش (مثلاً با وسایلی همچون ابزار گنج یابی)، به قصد تحصیل اموال تاریخی و فرهنگی را جرم و قابل مجازات دانسته است. به نظر نمی رسد که برای شمول این ماده، به دست آوردن اموال تاریخی و فرهنگی ضرورت داشته باشد، بلکه صرف حفاری به این قصد کفایت می کند.

ضمانت اجرای مذکور در تبصره ی ۱، برای بازداشتن افراد از نگه داشتن اموال تحصیلی کافی به نظر نمی رسد و جا داشت که مجازات دیگری نیز برای این قبیل افراد در نظر گرفته می شد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱).

در اینجا عمل مرتکب جرم جهت تحقق عنصر مادی باید به صورت حفاری و اقدام به آن در محل هایی باشد که بر اساس قانون جزء اراضی و تپه ها و اماکن مذهبی و تاریخی به حساب می آید؛ هر چند محل حفاری در تملک مرتکب عمل باشد و یا اینکه متعلق به شخص دیگری باشد. در هر صورت حفاری بدون رعایت ترتیبات مقرر در قانون حفظ آثار ملی در اراضی مذکور برای تحقق عنصر مادی جرم کفایت می کند که باید به صورت فعل مثبت مادی صورت بگیرد.

بنابراین با توجه به جنبه های عمومی جرم در صورتی که ضابطین دادگستری از عملیات حفاری در محل های مذکور اطلاع حاصل نمودند باید فوراً اقدامات لازم را جهت تعقیب و دستگیری مرتکبین جرم به عمل آورند.

ماده ی ۵۶۲ ق.م.برای تحقق عنصر روانی جرم کافی است که مرتکب با شروع در انجام حفاری و کاوش قصد مجرمانه و سوء نیت خود را برای تحصیل اشیاء تاریخی - فرهنگی در خارج ابراز نماید، هر چند

که از آنها استفاده نکنند.

بنابراین احراز سوء نیت از طرف مرتکب عمل کافی می‌باشد و نیازی به اثبات قصد مجرمانه حاصل از جرم یعنی سوء استفاده مرتکب نمی‌باشد.

مجازات مرتکب این جرم علاوه بر ضبط اشیاء و آلات مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت حبس از شش ماه تا سه سال خواهد بود.

به موجب تبصره ی اول ماده ی ۵۶۲: «هر کس اموال فرهنگی - تاریخی موضوع این ماده را بر حسب تصادف به دست آورد و طبق مقررات میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام نماید، به ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد و از طرف دیگر حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی فرهنگی از جرایم قابل گذشت است و سازمان میراث فرهنگی به عنوان شاکی و مدعی شاکی خصوصی پس از اعلام شکایت و تعقیب جرم در صورت ضبط اشیاء و آلات حفاری در صورت نظر از شکایت خود دادگاه می‌تواند با رعایت موازین شرع تعقیب مجرم خود داری کرده یا اینکه در مجازات مرتکب تخفیف قائل شود.»

در اینجا مهمترین ایراد این است که مقنن در این ماده منحصرأ خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز را مورد حکم قرار داده است. در نتیجه خرید و فروش اشیاء تاریخی - فرهنگی مکشوفه در حفاری غیر مجاز از اماکن مذهبی و بقاع متبرکه از شمول این ماده خارج است.

بررسی مفاد تبصره (ماده ی ۵۶۲ ق.م)

خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی

ماده ی ۱۷ از قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش تجارت عتیقات را آزاد اعلام کرده و اشتغال به شغل مذکور را منوط به تحصیل اجازه از دولت کرده است.

نظام نامه ی اجرایی قانون مذکور فصل چهارم را از ماده ی ۳۶ تا ۴۶ را به تجارت عتیقات اختصاص داده است و نحوه ی تحصیل اجازه و چگونگی بررسی و صدور مجوز و نحوه ی فعالیت شاغلین به شغل تجارت اموال فرهنگی - تاریخی را بیان کرده است.

با تصویب بند ۷ از ماده ی ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۴۷ ه.ش اشتغال به تجارت اموال فرهنگی - تاریخی بدون پروانه ی معتبر دولتی جرم محسوب و برای مرتکب ۲ ماه تا ۶ ماه حبس تأدیبی معین شده است (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹).

- خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند.

مالک مال یا اموال منقول که در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده باشد بر اساس ماده ی ۹ از قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران در صورتی

که بخواهد آن را به دیگری بفروشد باید کتباً به اداره ی ذریبط دولتی اطلاع دهد بر اساس این قانون متخلفین از موارد این قانون به جزای نقدی معادل قیمت فروش اثر یا آثار موضوع معامله محکوم می‌شوند. خریدار نیز در صورت اطلاع از ثبت اثر در فهرست آثار ملی به همان مجازات محکوم می‌گردد.

در بند ۸ از ماده ی ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی سابق مجازات مذکور تشدید و به ۳ ماه تا ۱ سال حبس تأدیبی تغییر یافت و همیسن مجازات عیناً در بند ۱۷ از ماده ی ۴۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تکرار و تا سال ۱۳۷۵ ه.ش که قانون مذکور مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت قانون مذکور مجری بود، هر چند به دلیل اینکه تا کنون آثار منقول در فهرست آثار ملی ایران ثبت نشده‌اند هیچ حکم قضایی به استناد قوانین مذکور صادر نشده است (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲).

بر اساس تبصره ی ۲ ماده ی ۵۶۲: «خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند و هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.» به این تبصره، دو اشکال وارد است: اول این که تبصره باید به هر گونه (نقل و انتقال) اشاره می‌کرد و نه فقط به (خرید و فروش)؛ و دوم این که قید (غیر مجاز) برای حفاری، ضروری به نظر نمی‌رسد؛ چرا که نقل و انتقال اموال تاریخی و فرهنگی که حسب تصادف، مثلاً در نتیجه ی حفاریهای مجاز، حاصل شده‌اند نیز باید واجد وصف مجرمانه باشد. تردیدی وجود ندارد که واژه ی مفرد (مرتکب) به کلمه ی (فروش) باز می‌گردد و بنابراین مجازات اشده، تنها بر فروشنده (که ممکن است ایرانی یا خارجی باشد) تحمیل می‌گردد و نه بر خریدار خارجی که مجازات معمول این جرم را خواهد داشت. به نظر می‌رسد که ماده ی ۵۶۲ و تبصره های آن، (لایحه ی قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری های غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که بر اثر ضوابط بین المللی مدت یکصد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد) مصوب سال ۱۳۵۸ ه.ش را نسخ کرده است (صادقی، میر محمد، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱).

عمل مرتکب جرم موضوع تبصره ی دو ماده ی ۵۶۲ را می‌توان بدین صورت بیان نمود که ابتدا برای تحقق جرم خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز لازم است که اموال مذکور از طریق ارتکاب جرم به دست آمده باشد تا امکان معامله ی آن فراهم گردد. بدین صورت اقدامات دارنده ی اموال تاریخی - فرهنگی مکشوفه از طریق عرضه و فروش آنها تشکیل دهنده ی

عنصر مادی جرم خواهد بود.

در مورد عنصر معنوی لازم است که مرتکب جرم دو علم داشته باشد: اول علم به اینکه این اموال جزء آثار فرهنگی و تاریخی است و دوم علم به اینکه عمل ارتكابی او نامشروع و برخلاف مقررات است و لذا سوءنیت مرتکب جرم لازم است که بر دادگاه ثابت شود تا مشمول حکم ماده شناخته شود.

مجازات مرتکب جرم موضوع تبصره ۲ در خصوص خرید و فروش اشیاء تاریخی، فرهنگی که در اثر حفاری غیرمجاز تحصیل شده علاوه بر ضبط آن اموال، حبس از شش ماه تا سه سال خواهد بود ولی هرگاه فروشنده ی اشیاء مکشوفه ی مورد نظر را به اتباع خارجی بفروشد، مجازات او حداکثر مجازات مقرر در ماده یعنی سه سال خواهد بود. این جرم نیز وفق ماده ی ۷۲۷ تعزیرات قابل گذشت است (نیازی، ۱۳۸۷).

ابهاماتی که باید توسط قانون رفع ابهام شود

«۱) خرید و فروش اموال بدلی این ابهام در ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۸۸ بر طرف شده است.

«۲) اختفاء و نگهداری اموال فرهنگی حاصل از حفاری غیرمجاز
«۳) فروشندگان و سازندگان گنج یاب» (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳)

تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی - مذهبی در فهرست آثار ملی

به موجب ماده ی ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود، مشروط بر آنکه سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت گذاری کرده باشد.»

عمل مرتکب در این ماده عبارت است از فعل مثبت تجاوز کردن به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی - مذهبی ثبت شده در فهرست آثار ملی موضوع جرم هم عبارت است از اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به فهرست آثار ملی رسیده باشند. در خصوص تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی مذکور باید گفت اگر اعمال فوق از جانب مالک اموال فوق باشد عملش جرم نیست. شرط دیگر اینکه، سازمان میراث فرهنگی باید قبلاً حدود مشخصات این اماکن را معین کرده باشد.

برای تحقق عنصر معنوی این جرم مرتکب باید اولاً بداند که اماکن و تپه‌های فوق دارای خصیصه ی تاریخی - مذهبی و ثانیاً به ثبت آثار ملی رسیده‌اند و ثالثاً مرتکب باید سوءنیت عام در انجام ارادی و آگاهانه عمل راداشته باشد. سوءنیت خاص نیز در سوءنیت عام نهفته است.

مجازات جرم تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که در فهرست آثار ملی ثبت شده است، از طرف شخص غیر-مالک شش ماه تا دو سال حبس دارد. جرم مذکور در ماده ی ۵۶۳ قابل گذشت است.

بنابراین لازم است که قانون گذار حداقل مصادیقی از تجاوز مورد نظر خود در این ماده را ذکر کند و با توجه به معنی لغوی و اصطلاحی تجاوز که عبارت است از: انجام هرگونه عملیات مادی و محسوس به منظور تصرف و یا ذی حق معرفی کردن خود، مصادیقی را هم برشمرد.

همچنین به نظر می‌رسد که بهتر بود قانون گذار، علم مرتکب در مورد ثبت شده بودن اماکن مذکور را برای مشمول ماده لازم و کافی می‌دانست.

مرمت یا تعمیر، تجدید و توسعه ی ابنیه یا تزیینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی

بند ج از ماده ی ۶ قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش اقدام به مرمت و تجدید بنای آثار ملی که در تصرف اشخاص باشد باید با اجازه و تحت نظر دولت واقع شود، و الا مرتکب به ۵۰ تومان الی هزار تومان جزای نقدی محکوم و علاوه بر آن خسارات وارده به اثر ملی نیز از نامبرده مطالبه خواهد شد.

ماده ی ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی سابق تخریب بخشی از اثر یا مرمت خلاف قاعده ی همان بخش را برای مورد اول تا ۱۰ سال و برای مورد دوم حداکثر ۶ ماه حبس قرار داده است. قانون تعزیرات ۱۳۶۲ ه.ش مجازات جزایی ۲ تا ۶ ماه حبس را حذف و صرفاً به جبران خسارت وارده اکتفا کرده است (صمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۱).

پس به موجب ماده ی ۵۶۴ قانون تعزیرات: «هر کس بدون اجازه ی سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر و توسعه ی ابنیه یا تزیینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید به حبس از ۶ ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد.»

بدیهی است ارتکاب این جرم از سوی مالک نیز قابل تصور می‌باشد (صادقی، میر محمد، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲).

مرمت: عبارت است هرگونه مداخله فنی در اثر به منظور اصلاح مواد و بازگرداندن به حالت اصیل و شناخته شده آن بر طبق اصول و مبانی نظری مرمت میراث فرهنگی.

تغییر: عبارت است دگرسانی در کاربرد یا ظاهر مال یا شی از یک شکل به شکل دیگر.

تجدید: عبارت است از نوسازی در ظاهر و مصالح اثر با/یا بدون رعایت اصالت تاریخی - فرهنگی.

توسعه: عبارت است از اقدام جهت گسترش فضای مادی اثر بنا یا یادمان.

تعمیر: عبارت است از آباد کردن و اصلاح کردن یک مال یا شی که در حال خراب شدن است.

مقنن در این ماده از افعال متعددی نام برده است: مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ی ابنیه یا اماکن فرهنگی - تاریخی که برای ارتکاب جرم موضوع این ماده، مرتکب حتماً باید یک فعل مثبت مادی انجام بدهد و هیچ کدام از جرائم فوق با ترک فعل محقق نمی شود.

موضوع جرم در این ماده باید دو ویژگی داشته باشد که اولاً جزء ابنیه و اماکن تاریخی و فرهنگی باشد و بر طبق اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری اماکن مذهبی از شمول این ماده خارج است، ثانیاً باید اماکن ابنیه های فوق در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد.

مرتکب علاوه بر سوء نیت عام باید به فرهنگی و تاریخی بودن اموال فوق و همچنین ثبت آنها در فهرست آثار ملی آگاه و مطلع باشد و جهل به ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان میراث فرهنگی به عنوان جهل به حکم غیر کیفری که پایه ی حکم کیفری قرار گرفته است، باعث رفع مسئولیت کیفری می شود. سوء نیت خاص هم در اینجا نیازی به اثبات ندارد و ما آن را مفروض می داریم.

مجازات جرم قابل گذشت موضوع ماده ی ۵۶۴ حبس از شش ماه تا دو سال می باشد.

اولین ایراد این ماده این است که مسأله ی اماکن مذهبی را مطرح نکرده و فقط به درج فرهنگی - تاریخی اکتفا کرده است.

دومین ایراد این است که کلمات متعدد و تا اندازه ای مترادف استفاده کرده که بعضاً اگر هم اقدام به آنها از طرف سازمان میراث فرهنگی و یا با اجازه از طرف سازمان مذکور صورت بگیرد آن عمل تخریب محسوب می شود، چرا که به عنوان مثال، تغییر ممکن نیست مگر اینکه مال یا شیء موضوع عمل خراب شود و از شکل خود بیفتد.

انتقال غیر مجاز اموال غیر منقول فرهنگی -

تاریخی

به موجب قانون ۵۶۵ قانون تعزیرات: «هر کس بر خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی، اموال فرهنگی، تاریخی غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی، را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

اصل ۸۳ قانون اساسی: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.»

به موجب ماده ی مذکور عمل مرتکب عبارت از انتقال مال غیر منقول متعلق به آثار فرهنگی - تاریخی به ثبت رسیده در فهرست آثار ملی کشور به هر نحوی از انحاء به دیگران است.

در مورد عنصر معنوی باید گفت که مرتکب جرم لازم است که با علم و اطلاع از غیر قانونی بودن انتقال مال غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی، مرتکب این عمل شود. به نظر می رسد این اندازه ی اقدامات برای تحقق عنصر معنوی جرم کافی است.

مجازات مرتکب عمل انتقال اموال فرهنگی - تاریخی غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی برخلاف مقررات حبس از سه ماه تا یک سال خواهد بود. البته در صورت گذشت سازمان میراث فرهنگی دادگاه می تواند از تعقیب مجرم صرف نظر کرده و یا اینکه در مجازات مرتکب، قابل به تخفیف شود.

اولین ایراد این ماده این است که فقط اموال غیر منقول را مد نظر قرار داده و انتقال آنها برخلاف مقررات را مستوجب مجازات دانسته و نامی از اموال منقول نبرده است. دومین ایراد این است که در صورتی که اموالی باشند (اموال تاریخی و فرهنگی) اما در فهرست آثار ملی نباشد انتقال آنها برخلاف قانون، مستوجب مجازات مذکور در ماده نمی باشد که به نظر می رسد خالی از اشکال نباشد. سوم اینکه بر اساس غیر منقول ذکر کردن اموال، لازم بود که حتماً اماکن مذهبی را هم در شمار اموال مذکور ذکر کنند. چهارم «انتقال خلاف مقررات» را ذکر کرده اما مصداق آن را و یا اعمالی که انجام آنها خلاف مقررات باشد را اعلام نکرده است. در اینجا ذکر این نکته لازم به نظر می رسد و آن اینکه اعمالی خلاف مقررات است که به موجب قانون ارتکاب آنها مستوجب مجازات باشد و نیز قانون گذار آنها را بر شمرده باشد که در ماده ی مذکور نامی از آنها برده نشده است.

انجام اقداماتی نسبت به تغییر در نحوه ی

استفاده از ابنیه، اماکن و محوطه های مذهبی -

تاریخی - فرهنگی کشور.

به موجب ماده ی ۵۶۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس نسبت به تغییر نحوه ی استفاده از ابنیه - اماکن و محوطه های فرهنگی، تاریخی - مذهبی که در فهرست آثار ملی ثبت شده اند. برخلاف شئون اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور اقدام نماید علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می شود.»

در سال ۱۳۸۸ ه.ش مجلس شورای اسلامی یک ماده به عنوان ماده ی ۵۶۶ مکرر تصویب و به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ه.ش اضافه کرده که این امر در جهت حمایت بیشتر از اموال فرهنگی نقش به سزایی دارد ضمن اشاره به این ماده امیدواریم شاهد توجهات بیشتر مجلس و دولت در زمینه ی میراث فرهنگی باشیم.

ماده ی ۵۶۶، مکرراً هر کس نمونه ی تقلبی آثار فرهنگی- تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می شود. تبصره ی ۱- نمونه ی تقلبی به اشیائی اطلاق می گردد که در دوره ی معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی- تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه ی اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی- تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ی ۲- چنانچه شیء تقلبی نمونه ی اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود، توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می گردد.

تبصره ی ۳- اشیاء مکشوفه ی موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم الاجرا شدن این قانون ضبط شده نیز می گردد (قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه ی علنی روز سه شنبه مورخ بیست و ششم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۸ به تأیید شورای نگهبان رسید).

عمل مرتکب در این ماده به صورت ایجاد تغییرات در نحوه ی استفاده از اماکن مذهبی- فرهنگی و تاریخی کشور تحقق پیدا می کند. فلذا لازم است که عمل به صورت فعل مادی مثبت در عالم خارج بر روی اموال مذکور در ماده که در فهرست آثار ملی ثبت شده اند محقق شود.

در مورد عنصر معنوی لازم است که مرتکب عمداً بر روی اموال فرهنگی- تاریخی و مذهبی کشور که به ثبت رسیده اند تغییراتی را در نحوه ی استفاده از آنها انجام دهد. پس لازم است که مرتکب، قصد مجرمانه و سوء خود را که مغایر با نحوه ی استفاده از این آثار است در عمل داشته باشد؛ یعنی باید مرتکب سوء نیت داشته باشد.

مجازات مرتکب این جرم علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال خواهد بود. این جرم به دلیل اینکه از لحاظ حیثیت خصوصی دارای اهمیت است با اعلام گذشت سازمان میراث فرهنگی، دادگاه می تواند از تعقیب مجرم صرف نظر کرده و یا اینکه در مجازات مرتکب قایل به تخفیف شود.

اولین ایراد این است که لازم بوده عمل مرتکب را بر خلاف قانون و

یا مقررات ذکر کند، آنگاه برخلاف شئونات مطرح شود. دوم اینکه در صورتی که تغییراتی در اماکن مذکور صورت بگیرد و اماکن از اموالی باشند که مورد استفاده قرار نمی گیرد دیگر جرمی صورت نگرفته است چرا که به هر حال براساس ماده لازم است که تغییراتی در اموال محقق شود که مورد استفاده باشند، سومین ایراد این است که مسئله ی جبران خسارت که امری مدنی می باشد آورده شده است (نیازی، ۱۳۸۷).

ماده ی ۵۶۸ ق.م.ا: «در مورد جرایم مذکور در این فصل که به وسیله ی اشخاص حقوقی انجام شود هر یک از مدیران و مسؤولان که دستور دهنده باشند، بر حسب مورد به مجازات های مقرر محکوم می شوند.»

– تخریب آثار فرهنگی، تاریخی، مذهبی از سوی مالک آن اموال

به موجب ماده ی ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی «در کلیه ی موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی اطلاع باشد، از مجازات های مقرر در موارد فوق معاف خواهد بود.»

به همین دلیل، بخشی از این جرایم حتی توسط خود مالک این اموال نیز قابل ارتکاب می باشند. تنها تخفیفی که قانون گذار برای مالکینی که مرتکب جرایم مذکور در فصل نهم (قانون تعزیرات) می شوند پیش بینی کرده آن است که، بر طبق ماده ی ۵۶۹ در کلیه ی مواد این فصل، در صورتی که ملک مورد تخریب ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی اطلاع باشد، از مجازات های مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود. به نظر می رسد که در این ماده، واژه ی (تخریب) در مفهوم عام آن به کار رفته و به کلیه ی جرایم مذکور در این فصل اشاره دارد.

در ماده ی ۵ قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ ه.ش آمده است: «اشخاصی که مالک یا متصرف مالی باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده، می توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند؛ ولیکن نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم می داند ممانعت نمایند...» پیرو نامه ی شماره ی ۵۷۲۶ مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷، قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ ه.ش و اصلاحیه و الحاقات بعدی آن در جلسه ی مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شمول آن قانون نسبت به اموال شخص، به نظر اکثریت آقایان فقهای شورای نگهبان مغایر موازین شرع تشخیص داده شد.

توضیح اینکه قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ ه.ش است و بعداً هم اصلاحاتی در آن به عمل آمده است. طبق ماده ی یک قانون مزبور: «کلیه ی آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتامیه ی دوره

سلسله‌ی زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول با رعایت ماده‌ی ۳ این قانون را می‌توان جزء آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت نظارت و حفاظت دولت می‌باشد.» ماده واحده‌ی مصوب ۱۲ آذرماه ۱۳۵۲ ه.ش نیز مقرر می‌داشت: «به وزارت فرهنگ و هنر اجازه داده می‌شود که علاوه بر آثار مشمول قانون حفظ آثار ملی مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ ه.ش آثار غیر منقول که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشد، صرف نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور به ثبت برسانند. آثار مذکور در این ماده مشمول کلیه‌ی قوانین و مقررات مربوط به آثار ملی خواهد بود.» به هر حال بر اساس قانون حفظ آثار ملی، مالک ملکی که ملک وی جزء آثار ملی ثبت شده است محدودیت‌هایی دارد و از آن جمله طبق ماده‌ی ۶ قانون حفاظت از آثار ملی، حق منهدم کردن و یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها را به اندود و رنگ و غیره ندارد و معامله و تملک و تجدید بنای آنها بدون اجازه‌ی دولت مجاز نیست. در این رابطه شعبه‌ی چهارم دادگاه شهرستان ... در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۵ سؤالی به این شرح از شورای نگهبان کرد و چنین بیان کرد: خواهشمند است که اعلام فرمائید، هرگاه کسی پایه‌ی مغازه‌ی خویش را که جزو آثار باستانی است تخریب و یا تعمیر نماید از نظر شرع اسلام چه حکمی دارد؟ که شورای نگهبان آن را مغایر موازین قانون دانست. اما در حال حاضر وقتی به مجموعه قوانین مربوط به میراث فرهنگی می‌نگریم می‌بینیم که مقنن فقط در یک مورد تخریب ملکی را که در فهرست آثار ملی ثبت شده است از جانب مالک آن جرم ندانسته و آن مورد هم ماده‌ی ۵۶۳ می‌باشد. در مورد ماده‌ی ۵۶۹ ذکر نکاتی لازم است: اولاً مفهوم مخالف این ماده این است که اگر مالک ملکی که به عنوان اثر ملی در فهرست آثار ملی ثبت شده است آن را تخریب کند در حال حاضر و طبق این ماده عملش جرم است و این برخلاف نظریه‌ی سابق شورای نگهبان است و بیانگر عدول شورای نگهبان از نظر سابقش می‌باشد. ثانیاً اینکه این ماده تا حدودی مغایر ماده‌ی ۵۶۳ است زیرا همان گونه که بیان شده در آن ماده اگر تخریب از ناحیه‌ی مالک باشد عمل مالک جرم تلقی نمی‌گردد.

بزرگ‌ترین ایراد که در فصل مربوط به تخریب اموال تاریخی، فرهنگی و مذهبی به مواد مربوط به آن گرفتیم، این بود که متأسفانه قانون‌گذار جمهوری اسلامی، جرایم مذکور در فصل نهم یعنی جرایم علیه اموال و آثار تاریخی - فرهنگی و مذهبی را قابل گذشت اعلام کرده است، در حالی که می‌دانیم جرم تخریب اموال فوق‌الذکر چون مستقیماً به فرهنگ و تاریخ و مذهب یک کشور لطمه می‌زند لذا به نظر می‌رسد جزء جرایم عمومی محسوب شود که باید غیر قابل گذشت اعلام شود. لذا پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار در اصلاحیه‌های بعدی

حتماً این موضوع را مد نظر قرار داده و جرایم مربوط به تخریب آثار فرهنگی، مذهبی - تاریخی را نیز که در ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) قابل گذشت اعلام نموده، جنبه‌ی عمومی به آنها داده و غیر قابل گذشت اعلام کند. قانون‌گذار نباید هیچ یک از مواد دوازده گانه‌ی این فصل را در ماده‌ی ۷۲۷ به عنوان جرایم با ماهیت خصوصی مورد اشاره قرار می‌داد، در حالی که، برعکس، همه‌ی آنها را در ماده‌ی ۷۲۷ به عنوان جرایم خصوصی ذکر کرده است.

همچنین در این مواد تفاوتی در میزان مجازات میان افراد عادی و کسی که به عنوان محافظ یا به عبارتی کارمند ناظر بر آن اشیاء مشغول می‌باشد هیچ فرقی قائل نشده است.

آنچه که از دامنه‌ی این اشکال می‌کاهد، وجود ماده‌ی ۵۶۷ است که به موجب آن (در کلیه‌ی جرایم مذکور در این فصل سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی، بر حسب مورد، شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می‌شوند). بنابراین می‌توان گفت که به رغم وجود ماده‌ی ۷۲۷ این سازمان‌ها و دوایر دولتی، حسب وظیفه‌ی رسمی خود، موظف به پیگیری موضوع بوده و حق عدم تعقیب، گذشت یا استرداد دعوا را ندارند (صادقی، میر محمد، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با انتقاد از ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی که جرایم علیه اموال تاریخی و فرهنگی کشور را به دور از هر نوع منطق حقوقی از جمله جرایم قابل گذشت اعلام کرده است افزود: از آن جا که قابل گذشت دانستن تخریب تصرف و تصاحب اموال و آثار تاریخی و فرهنگی منطبق بر هیچ یک از مبانی و معیارهای کلی تفکیک جرایم قابل گذشت از غیر آنها نیست، اصلاح قانون از این حیث ضرورت دارد (سایت مجلس).

نتیجه‌گیری

گردشگری ملی و بین‌المللی یکی از دستاویزهای تبادل و تعامل علمی و فرهنگی بوده و مجالی برای ادراک تجربه‌های زندگی گذشته است و یک موقعیت اساسی اقتصادی برای کشورها فراهم می‌آورد که اگر با موفقیت اداره شود می‌تواند عامل مؤثری در توسعه باشد. از سوی دیگر به دلایل علمی و شناخت هویت ملل مختلف ضرورت دارد که این موارد محافظت گردند. این موارد از سوابق علمی، پیشرفت‌های صنعتی و هنری، روابط حقوقی، ارتباطات سیاسی، برخوردهای اجتماعی، منازعات، مذهب، آداب و رسوم اقوام پرده بر می‌دارد. علاوه بر این، دلایل مذهبی و فلسفی حفاظت از میراث فرهنگی را به عنوان یکی از وظایف دولت‌ها و احاد جامعه مورد تأیید قرار گرفته است. کشور ما ایران در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی دارای قوانینی با قدمت بیش از ۷۰ سال است. جای بسی تأسف است که پس از گذشت این مدت طولانی و گسترش روز

افزون علوم و تکنولوژی، هنوز مقررات مذکور مورد استفاده قرار می گیرند و تغییرات قابل توجهی در آنها داده نشده است.

در واقع فرهنگ سازی و آموزش دهی به آحاد جامعه مورد توجه نبوده و به نظر می رسد که قانون گذار ایرانی به مسائل و نیازهای مادی و ملموس بیشتر توجه نموده است. در قوانین ناظر به حمایت از میراث فرهنگی دیده می شود که با تصویب یک قانون، مادی از قوانین سابق اثر اجرایی خود را از دست می دهند که بهتر است این مواد حذف یا اصلاح گردند. همچنین در قوانین، تعریف یکسانی از واژه های مرتبط با میراث فرهنگی دیده نمی شود که این خود ضعفی در این زمینه است و این نقیصه ای بزرگ است. برای حمایت بیشتر از میراث فرهنگی علاوه بر تصویب قوانین کارآمد با ضمانت اجرای قوی، بهتر است که آموزش همگانی از طریق صدا و سیما، روزنامه ها و مدارس جدی گرفته شود تا اکثر افراد جامعه به ارزش این آثار پی برده و خود نیز نگاهبانی برای این اموال باشند. در دادگاه ها در رابطه با پرونده های مربوط به آثار فرهنگی بهتر است از قضات و حقوقدان هایی استفاده شود که ارزش این آثار را بیش از افراد دیگر بدانند و با توجه به این شناخت به صدور احکام در این زمینه بپردازند.

منابع

۱. ابوترابیان، حسین، (۱۳۷۴)، «مقاله ی فرهنگ و توسعه ی فرهنگی»، گزارش نامه ی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، شماره ی ۴
۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۵)، «لغت نامه»، ج ۱۱، تهران: شرکت گلشن، چاپ اول
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۸)، «ترمینولوژی حقوق»، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم
۴. صمدی، یوسف، (۱۳۸۲)، ج ۱، «میراث فرهنگی در حقوق داخلی»، تهران: اداره ی کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول
۵. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۳)، «محشای قانون مجازات اسلامی»، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم
۶. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۳)، «حقوق جزای عمومی ایران»، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هفتم
۷. معین، محمد، (۱۳۶۳)، «فرهنگ فارسی»، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر
۸. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۳)، «جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی»، تهران: نشر میزان
۹. خلیلیان، علی محمد، (۱۳۷۵)، اموال تاریخی و فرهنگی در گستره تاریخ ایران «فصلنامه ی میراث فرهنگی»، شماره ی ۱۶
۱۰. رامبد، علی، (۱۳۸۵)، «آثار تاریخی و حفاظت قانونی»، فرهنگ و پژوهش، شماره ی ۱۵۷

۱۱. سگوند، فریدون، (۸۴/۱۲/۲۱)، «حکایت غمبار تاراج میراث فرهنگی: «کسو کوزه گر و کوزه خسر و کوزه فروش؟!»، روزنامه ی اعتماد، شماره ی ۱۰۷۲

۱۲. نیازی، یوسف، (۱۵ مهر ۱۳۸۷)، «نگاهی به ۱۲ ماده ی قانون مجازات اسلامی»، روزنامه ی اطلاعات، شماره ی ۲۴۳۰۵

۱۳. هاشمی، سید حسن، (۱۳۷۹) «حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور»، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، سال تحصیلی ۷۸-۷۹

منابع اینترنتی

۱. اسفند ماه ۸۷ (سایت مجلس، www.majlis.ir).
۲. خبرگزاری میراث فرهنگی، (۳ مرداد ۸۵)، www.chn.ir
۳. خبرگزاری میراث فرهنگی استان یزد، (بهمن ماه ۸۷)، www.yazdchto.ir
۴. پایگاه خبری تحلیلی خدمت، (۲۲ آبان ۸۶)، www.khedmat.ir
۵. تار نمای سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی جمهوری اسلامی ایران، دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، (فروردین ماه ۸۸)، www.portal.nlai.ir/daka
۶. سایت خبری همشهری آنلاین، (۲۶ اسفند ۱۳۸۵)، www.hamshahronline.ir